

# قلم های بیدار

افزایش روز افزون نشریات محلی و تغییر نگرش ها در ارتباط با وظایف فعالین این عرصه چالش های جدیدی را در سطح جامعه ایجاد کرده است.

در عصر ارتباطات و در شرایطی که جامعه ما با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کند انتظار است که مطبوعات برای ایفای نقش مؤثر در توسعه منطقه در خدمت جامعه و مردم و منافع استان باشند.

همه عزیزانی که فعالیت در مطبوعات را در راستای خدمت به جامعه و مردم انتخاب کرده اند باید بدانند قلمی را که در اختیار دارند یک ابزار است و مثل هر ابزار دیگری نه حق است و نه باطل و نه قدسی است و نه تخریبگر.

مهمترین مسئله این است که بپذیریم نحوه استفاده از قلم و استفاده کننده از آن به قلم هویت می دهد. قلمی که در خدمت جامعه باشد و با یک اشاره به جهات مختلف نچرخد، از راه راست منحرف نشود و خودش را نفروشد و جایگاهش را حفظ بکند، قدسی و قابل ستایش است و این همان قلمی خواهد بود که خداوند بزرگ در کتاب مجید به آن قسم می خورد "نون والقلم و ما یسطرون"، سوگند به قلم و آن چیزی که می نویسد.

قلم هایی که منصفانه و با درک مسئولیت و به دور از هرگونه دریدگی و هرهری مسلکی در اندیشه رشد و توسعه جامعه هستند قلم هایی بیدار، آگاهی بخش و مصلح جامعه هستند. قلم هایی که به دور از هرگونه وابستگی ها و جانبداری ها بر مهمترین و اصلی ترین وظیفه یعنی نظارت بر امور و رفتار مسئولین عمل می کنند قلم هایی هستند که حفظ حرمت آنها واجب است.

قلم های صادق، راستگو و منصف هدفی جز خدمت به خلق ندارند. این گونه قلم ها، قلم هایی هستند که صاحبانشان به هنگام نوشتن در نظر می گیرند که:

**بشکنی ای قلم ای دست اگر**

**پیچی از خدمت محرومان سر**

اگر چنین جوی در فضای مطبوعات ما حاکم باشد نمی توان در آن از کمیت بالا حرف زد چرا که در این حالت تعداد زیاد مطبوعات هم کم به نظر می رسد ولی اگر مطبوعات ما هدفی دیگر را دنبال نکنند و به رسالت اصلی خود پشت کرده و قصد و نیت دیگری را پیگیری نمایند یکی اش هم زیاد است.

قلمی که منافع جامعه را مورد معامله قرار بدهد، در پشت درهای

بسته برای یورش به واقعیت ها و حرمت ها و حقایق تصمیم گیری کند، قلمی که قدار وار به جان غیر همسوها بیفتد و همه چیز را فدای مصلحت ها نماید، قلمی که منافع شخصی را بر منافع جامعه ترجیح بدهد و قلمی که از گاه کوهی بسازد و به راحتی با فکر مخاطب بازی بکند و قلمی که افکار عمومی را به نفع یا علیه هر کس یا هر جریانی که می خواهد سوق و شکل دهد قلمی است که باید از گستردگی فعالیت اش ممانعت شود.

چه کسی مقصر است؟

با نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی، هواداری ها و مخالفت ها از برخی چهره ها که احتمال نامزدی آنها وجود دارد صحنه های نه چندان قابل قبولی در عرصه مطبوعات ایجاد می کند.

موضعگیری های جانبدارانه و له و یا علیه یک مسئول مطلب نوشتن و خیلی از مسائل حاشیه ای را در مطالب دخیل دادن و واضح و روشن سنگ یک مدیر را به سینه زدن و حرکت نکردن در مسیر اصلاحی و روند رو به جلو بزرگ ترین نتیجه اش می تواند از بین بردن اعتماد جامعه به نشریات باشد.

درست است که شرایط اقتصادی حاکم ، مدیران نشریات را برای ادامه دادن حیات نشریه به برخی از رفتارها مجبور می کند ولی این مشکل نمی تواند شرایط را به طور کامل به نفع مدیران و اطرافیان آنها ختم بکند.

از بین رفتن اعتماد جامعه به رسانه ها و نشریات محلی بزرگ ترین و بالا ترین آسیب را می تواند به این قشر وارد نماید. اگر مدعی هستیم که رسانه ها باید سازنده افکار عمومی باشند این افکار عمومی باید توسط قلم های درستکار و پاک و افراد سالم و صادق اصلاح شود چرا که به راننده خواب آلود اجازه رانندگی نمی دهند و اگر داده شود شما سوار ماشین او نمی شوید.

مطبوعات ما برای اینکه جایگاه خودش را حفظ بکند و از احترام جامعه برخوردار باشد و به عنوان منبع مورد اعتماد مردم قرار بگیرد چاره ای جز در خدمت مردم بودن ندارد.

تا زمانی که نشریات دخل و خرجشان همخوانی نداشته باشد و برای تأمین هزینه رقابتی بس سؤال برانگیز در بین دست اندرکاران آن حاکم باشد و تا زمانی که نظارت دقیق بر عملکردها و صدور مجوزها صورت نپذیرد و تا وقتی که جویندگان نام و شهرت و نان بر فضای مطبوعات سایه افکنند و تا زمانی که بحث فرهنگی ، آگاهی و مطالبات به حق مردم در اولویت های بعدی مطبوعات باشد انتظار معجزه از آنها نباید داشت.